

شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجر فرست

بر اساس ماتریس *SWOT* و *QSPM* (مطالعه موردی: شهرستان مشهد)

آتنا وطن‌خواه نوغانی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

مریم قاسمی*

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

جعفر جوان

استاد گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

نتیجه طبیعی به‌کارگیری رویکرد نوسازی در کشورهای در حال توسعه، شکل‌گیری و گسترش مهاجرت‌های گسترده از روستا به شهر است. این امر سبب تغییر ساختار جنسی جمعیت در تعدادی از سکونتگاه‌های روستایی کشور شده است. بدیهی است با استمرار شرایط موجود در آینده، زنان، ذینفعان اصلی برنامه‌های توسعه در نواحی روستایی خواهند بود. مقاله حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی راهبردهای توانمندسازی زنان در گروه خاصی از روستاها یعنی سکونتگاه‌های روستایی مهاجر فرست، به دلیل شرایط خاص و اولویت‌دار آن‌ها تدوین شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و از نوع تحقیقات کاربردی-توسعه‌ای است. گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به شیوه اسنادی و میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری پژوهش روستاهای دارای نسبت جنسی پایین یعنی کم‌تر از ۹۵ نفر مرد به ازای ۱۰۰ نفر زن بود. در مطالعه حاضر با استفاده از ماتریس تحلیلی *SOWT*، راهبردهای مطلوب توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های روستایی مهاجر فرست شناسایی و به کمک ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی (*QSPM*)، راهبردها اولویت‌بندی شد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۷

DOI: 10.22051/jwsp.2016.2558

به منظور توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجر فرست، استراتژی‌های تهاجمی (حداکثر- حداکثر) بهینه هستند. همچنین مهم‌ترین راهبرد توانمندسازی زنان در روستاهای مورد نظر «افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری»، با امتیاز ۴/۲۹ بوده است.

واژگان کلیدی

توانمندسازی؛ زنان سرپرست خانوار؛ مهاجرت؛ سکونتگاه‌های روستایی؛ SWOT

مقدمه و بیان مسأله

در دهه ۷۰ میلادی، پارادایم متعارف نوسازی در اغلب کشورهای در حال توسعه به نابرابری و فقر روستایی و سرانجام شکل‌گیری مهاجرت‌های گسترده روستا-شهری شد. باور کلی بر این بود که رشد اقتصادی از طریق نشت ثروت به طبقات پایین/نواحی روستایی/بخش کشاورزی انتقال می‌یابد. اما در گذر زمان، درباره منافع اقتصادی پارادایم رشد با افزایش هزینه‌های اجتماعی و اکولوژیکی تردید شد. در ایران نیز به تبع سایر کشورهای در حال توسعه با پیروی از پارادایم نوسازی، نواحی روستایی به سکونتگاه‌های کم‌توان تبدیل و نواحی شهری با تمرکز منابع، سرمایه‌ها، جریان‌ها و غیره از موقعیت برتر و ویژه‌ای بهره‌مند شدند. نتیجه طبیعی این امر خروج نیروی کار فعال و جوان از سکونتگاه‌های روستایی بود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵). از سویی دیگر نگاهی اجمالی به نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تاکنون، حاکی از آن است که مهاجرت‌های روستا به شهر در کشور، عمدتاً مردگزين بوده و همواره روندی افزایشی داشته است. بدیهی است مهاجرت‌های روستایی با توجه به ویژگی خاص خود (جوان و مردگزينی)، از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر جمعیت زنان در مبدأ (روستا) اثرات فراوانی دارد. «این در حالی است که به طور معمول و با توجه به ماهیت کار کشاورزی، همواره فضای روستا مردانه محسوب می‌شود و مردانگی در روستا از اهمیت و وزن ویژه‌ای دارد» (علیرضا نژاد و بنی‌هاشم، ۱۳۹۱: ۸۲؛ به نقل از کامبل و بل، ۲۰۰۰: ۵۳۳).

هرچند تاکنون مهاجرت مردان از روستا به شهر مورد توجه بوده و درباره آن بررسی‌های گسترده‌ای انجام شده است، اما آثار و ابعاد جنسیتی مهاجرت به ویژه تأثیر آن بر مبداء و زنان و دختران مانده در روستا، تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است. از جمله آثار و نتایج منفی مهاجرت مردان روستایی در مبدأ می‌توان به مواردی همچون برهم خوردن ترکیب سنی و



جنسی در روستا، وقوع مضيقه ازدواج، کاهش باروری و تقلیل جمعیت، برهم خوردن تقسیم کار جنسیتی و افزایش حجم کار زنان روستایی در زمینه کشاورزی و دامداری، افزایش سالخوردگان در جامعه روستایی، خروج نیروی کار فعال از روستاها، تغییر و تحول در نقش‌های اقتصادی و اجتماعی جنسیتی، کاهش و فروپاشی تدریجی کشاورزی و غیره (عفتی، ۱۳۸۲: ۲۵۹-۲۵۸)، ورود افراد خردسال و مسن به کار کشاورزی و دامداری اشاره کرد. لذا توانمندسازی زنان در این روستاها که از شرایط ویژه و اولویت‌داری بهره‌مند هستند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، تاکنون آن چنان که شایسته است به این امر توجه نشده و برنامه‌ریزان توسعه نیز همچنان بعد جنسیتی مهاجرت‌های روستا-شهری را نادیده گرفته‌اند.

محدوده مورد بررسی در تحقیق حاضر، سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد است. بر اساس مطالعات اکتشافی، این ناحیه به مرکزیت کلان‌شهر مشهد به دلایل گوناگون جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و فرهنگی از شرایط ویژه و تأمل‌برانگیزی به طور عام در سطح منطقه و به طور خاص با موضوع تحقیق ارتباط دارد. مطالعات اکتشافی تحقیق نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵، ۸۷ روستا معادل ۱۹/۹٪ روستاهای شهرستان، دارای نسبت جنسی پایین و در سال ۱۳۹۰، تعداد ۹۲ روستا معادل ۲۵/۳٪ دارای نسبت جنسی پایین بوده‌اند، لذا این روستاها طی ۵ سال، به میزان ۵/۴٪ افزایش داشته‌اند. بدیهی است با مهاجرت مردان از سکونتگاه‌های روستایی، مشکلات زیادی در نواحی روستایی در ارتباط با وضعیت زنان ایجاد خواهد شد که یکی از آلترناتیوهای کاهش آن، توانمندسازی زنان در نواحی روستایی دارای نسبت جنسی پایین است. با توجه به شرایط موجود در نواحی روستایی، خصوصاً روستاهای مهاجرفرست، به نظر می‌رسد نقش زنان در توسعه روستایی نه به عنوان نیمی از جمعیت، بلکه به عنوان بخش عمده‌ای از جمعیت ساکن در نواحی روستایی روز به روز در حال افزایش بوده تا جایی که با استمرار شرایط موجود در آینده در تعدادی از روستاها، زنان مخاطبان اصلی برنامه‌های توسعه محسوب می‌شوند. شایان ذکر است که در بخش سه دستور کار ۲۱، «به زنان به عنوان یکی از گروه‌های هدف توجه شده است. در این بخش دولت‌ها که عمدتاً از مردان تشکیل شده‌اند، تشویق می‌شوند تا به زنان به عنوان نیمی از جامعه توجه ویژه کنند، زیرا در صورت مشارکت نکردن زنان، تحقق توسعه پایدار ممکن نیست» (کنفرانس بین‌المللی ریو، ۱۹۹۲: ۱۱).

با توجه به مطالب مذکور نقش زنان در وضعیت کنونی و آینده نواحی روستایی خصوصاً

سکونتگاه‌های روستایی مهاجرفرست (دارای نسبت جنسی پایین)، حائز اهمیت زیادی است. بنابراین، توانمندسازی زنان به عنوان سازوکاری برای کاهش مشکلات ناشی از مهاجرت مردان در نواحی روستایی دارای نسبت جنسی پایین مطرح است. توانمندسازی به عنوان یک فرایند پایین به بالا، قابلیت افراد را در بهبود بخشی به شرایط زندگی خود تقویت می‌کند و موجب کاهش فقر، ایجاد کارآفرینی، توسعه اقتصادی و عدالت می‌شود. بر این اساس توانمندسازی زنان روستایی به عنوان نیمی از جمعیت روستایی و تأثیرگذاران اصلی بر فرهنگ‌سازی جامعه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چراکه «باعث بالا بردن کیفیت زندگی، افزایش درآمد، افزایش عزت نفس، بیشتر شدن تحرکات اجتماعی و تسری دستیابی به فرایند توسعه می‌شود» (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۴: ۱).

با توجه به مطالب ارائه شده در طرح مسئله سؤال‌های اصلی تحقیق بدین‌گونه مطرح می‌شود: استراتژی توانمندسازی زنان در روستاهای دارای نسبت جنسی پایین چیست؟ و با توجه به ماتریس استراتژیک کمی، راهبرد کانونی توانمندسازی زنان در این روستاها چیست؟ بر توانمندسازی زنان عمدتاً به این دلیل تأکید می‌شود که در ارتقاء بهره‌وری و رشد اقتصادی جوامع، نقشی توسعه‌ای دارد؛ در ایران توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تحت تأثیر فعالان فمینیستی و تحولات ساختاری در حوزه جنسیت و توسعه به ویژه از سال ۱۳۷۰ به بعد مورد توجه سازمان‌های دولتی و غیردولتی قرار گرفته است (جباری، ۱۳۸۴: ۲۶۴). در ارتباط با توانمندسازی زنان به طور اعم، مطالعات بسیاری در داخل کشور ترجمه و نگارش شده است، در این زمینه می‌توان به کتاب‌هایی از قبیل: «توانمندسازی زنان» ۱۳۸۴ از لوئیس ال. هی، «توانمندسازی زنان در شهر تهران» ۱۳۹۲ از ضیایی، «توانمندسازی زنان، نقدی بر رویکردهای رایج» ۱۳۸۹ از نایلا کبیر و همکاران، «توانمندسازی زنان، قوانین و برنامه‌های کشوری» ۱۳۹۳ از اسعدی خلیلی و حق‌پرست اشاره کرد. در ارتباط با توانمندسازی زنان در نواحی روستایی مطالعات، عمدتاً در قالب مقاله یا پایان نامه یا طرح پژوهشی بوده است. در جدول ۱ ادبیات تحقیق ارائه شده است:



جدول ۱: ادبیات تحقیق پیرامون توانمندسازی زنان روستایی

نویسنده/سال	عنوان	یافته‌ها
Ogunlela And Mukhtar ۲۰۰۹	مسائل جنسیتی در کشاورزی و توسعه روستایی در نیجریه: با تأکید بر نقش زنان	با وجود همکاری و مشارکت ۶۰-۸۰ درصدی زنان در امور کشاورزی، آن‌ها حق بسیار اندکی در تصمیم‌گیری دارند. تشکیل گروه‌ها (NGO) و سازمان‌های غیردولتی و جوامع مدنی موجب افزایش آگاهی، دسترسی به اعتبارات و شناخت بیشتر نقش زنان در توسعه کشاورزی شده است.
Sharaunga, Mudhara and Bogale ۲۰۱۶	اثر توانمندسازی زنان در امنیت غذایی خانواده در مناطق روستایی استان کوازولو-ناتال	امنیت غذایی در خانواده‌های روستایی بسیار مهم است. امنیت غذایی در خانواده‌هایی بهتر است که سرپرستی آن‌ها را زنان بر عهده دارند. زنان سرپرست خانوار سطوح بالاتری از اقتصاد، توانمندسازی سرمایه فیزیکی، روانی و مهارت‌های مدیریتی را دارند.
Verma ۲۰۱۶	جنسیت، کشاورزی و توسعه پایدار در هند: به حاشیه راندن زنان یا توانمندسازی	با وجود بار اقتصادی سنگینی که بر دوش زنان در بخش‌های مختلف اقتصاد روستایی است، با محدودیت‌ها و موانعی روبرو می‌شوند که عمدتاً ساختاری هستند، مانند تحرک، موانع ساختاری، کاهش فضای اجتماعی و غیره.
Cunningham, Ploubidis, Menon, Ruel, Kadiyala, Uauy, and Ferguson ۲۰۱۵	توانمندسازی زنان در بخش کشاورزی و وضعیت تغذیه کودک در مناطق روستایی نپال	پژوهش حاضر ارتباط بین توانمندسازی زنان در کشاورزی و وضعیت تغذیه در میان کودکان زیر ۲ سال در مناطق روستایی نپال را بررسی کرده است. نقش بالقوه توانمندسازی زنان در بهبود تغذیه کودکان بسیار تأثیرگذار و قابل ملاحظه است.
Mahmud, Shah and Becker ۲۰۱۲	اندازه‌گیری توانمندسازی زنان در مناطق روستایی بنگلادش	توانمندسازی زنان یک فرایند پویا است و بررسی آن از لحاظ کمی روش‌های گوناگونی دارد، مانند دسترسی بودن امکاناتی همچون ثروت خانواده، عزت نفس، آزادی تحرک و امکان درس خواندن.
Garikipati ۲۰۱۲	قرضه‌های کوچک و توانمندسازی زنان از دریچه لنز زمان با استفاده از داده‌های روستایی هند	این پژوهش، تجزیه و تحلیل ارتباط بین اعتبارات کوچک و توانمندسازی زنان را بررسی می‌کند. وام‌هایی که زنان می‌گیرند معمولاً برای افزایش مالکیت مردان و دارایی‌های خانواده استفاده می‌شود و زن‌هایی که کنترل این منابع مالی در دست خودشان است قادر به خود اشتغالی و افزایش توانمندی خود هستند.
Baden ۲۰۱۳	اقدام جمعی زنان در بازارهای کشاورزی آفریقای: از محدوده	با وجود اینکه زنان طیف گسترده‌ای از بازیگران توسعه هستند، اما محدودیت‌ها و نابرابری‌های زیادی را در مشارکت دارند، که به نتایج متفاوت و نابرابری برای زنان منجر می‌شود.

نویسنده/سال	عنوان	یافته‌ها
	عمل توسعه در حال حاضر برای توانمندسازی زنان روستایی	مشارکت زنان باعث توانمندسازی آن‌ها می‌شود و تفاوت انگیزه برای مشارکت در میان زنان و مردان متفاوت است.
آیت، اعظمیان ۱۳۹۰	تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی	فناوری اطلاعات به دلیل تعدد نقش‌هایی که در رویکرد توسعه دارد و با ایجاد شبکه گسترده این نقش‌ها را ایفا می‌کند، می‌تواند سبب توانمندسازی و تأثیرگذاری آگاهانه بر زنان شود، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ابعاد بررسی شده، زنان در سطوح بالای استفاده از فناوری، توانمندی بیشتری دارند.
چرمچیان لنگرودی، علی بیگی ۱۳۹۲	بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی	اخذ وام از منابع گوناگون، بیشترین اثر را بر توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان ساری دارد. زنان روستایی نسبت به زنان دیگر بیشترین وام را گرفته بودند. مفیدترین روش در ارائه خدمات ترویجی-آموزشی به زنان روستایی شهرستان، روش‌های گروهی مانند برگزاری کارگاه‌های آموزشی و فرآوری محصولات کشاورزی است. مهم‌ترین مانع توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان، اعتماد نکردن زنان به یکدیگر و مهم‌ترین راهکار دادن وام و اعتبارات به زنان روستایی است.
سعدی، جلیلیان، یعقوبی ۱۳۹۳	تأثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی	مدل طراحی شده معادلات ساختاری برای توانمندسازی زنان روستایی، منعکس‌کننده یک ارزش مطلوب و درحد انتظار است. علاوه بر این، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که توانمندی اجتماعی ۶۳/۳٪ از زنان در حد بالایی است. همچنین توانمندی اجتماعی با نوع کسب و کار خانگی ارتباط معناداری دارد.
برقی، قنبری ۱۳۹۳	بررسی و نظرسنجی درباره مؤلفه‌های توانمندسازی زنان روستایی و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها: مطالعه موردی روستاهای شهرستان اصفهان	مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی همکاری در فعالیت‌های اقتصادی، پیوندهای خانوادگی و آگاهی اجتماعی است، و مقدار واریانس تبیین شده از طریق این عوامل ۵۵/۸۰ است. مهم‌ترین موانع مؤثر بر توانمندسازی زنان نیز شامل مؤلفه‌های روانی-خصوصی، همکاری در فعالیت‌های اقتصادی، کالبدی-ارتباطی و فرهنگی-سازمانی بوده، که مقدار واریانس تبیین شده از طریق این عوامل نیز ۵۱/۶۰ است.
کلانتری، شعبانعلی فمی،	بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده	مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان، سه عامل: (مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی



نویسنده/سال	عنوان	یافته‌ها
سروش مهر ۱۳۸۹	توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان)	اجتماعی) است و مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این سه عامل، ۵۵/۸۷ است. مهم‌ترین موانع تأثیرگذار بر توانمندسازی اقتصادی زنان نیز شامل چهار مؤلفه: (فردی - روان‌شناختی، مشارکت اقتصادی، زیرساختاری، اجتماعی - نهادی) است که مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این چهار عامل نیز ۵۱/۶۰ است.
فرضی زاده، متوسلی، طالب ۱۳۹۲	بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی	از دید افراد بومی، مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اجتماعی زنان، ازدواج و مهم‌ترین مؤلفه توانمندی اقتصادی، کار است. تأثیر ساختار فرصت به ویژه نهادهای غیررسمی بر توانمندی بسیار تعیین‌کننده است. هنوز موانع بسیاری برای رشد توانمندی دختران و زنان روستایی وجود دارد که ریشه همه موانع مذکور، ضعف دانش و آگاهی (در سطح خرد و کلان جامعه) است.
نجفی کانی، وصال ۱۳۹۴	نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان)	مدیران محلی با عملکردهای خود تأثیر جالب‌توجهی در زمینه‌های مختلف اعم از ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، افزایش درآمد، تقویت تعاونی‌ها و تشکل‌های زنان و همچنین توجه به مهارت‌های زنان روستایی در دهستان استرآباد جنوبی داشته‌اند.
بریمانی، نیک منش و خداوردی لو ۱۳۹۱	بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس	اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی مؤثر است و گروهی از زنانی که وام گرفته بودند، نسبت به گروهی که وام دریافت نکرده بودند، از لحاظ اقتصادی توانمندتر شده و از نظر روانی (اعتماد به نفس) نیز در وضعیت بهتری قرار داشتند.
کولایی، طاهری ۱۳۸۹	تأثیر توانمندسازی زنان بر توسعه روستایی در ایران	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد هرچه زنان توانمندتر می‌شوند، بر میزان مولد بودن، مشارکت سیاسی آن‌ها و همچنین نقش اجتماعی آن‌ها افزوده می‌شود، و این خود مستلزم بالا بردن سطح آموزش و تحصیلات زنان است که نیاز به مدیریتی با جهت‌گیری مثبت درباره آموزش آن‌ها در این زمینه آشکار است.

مآخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده از منابع در دسترس، ۱۳۹۴.

بررسی منابع خارجی نشان می‌دهد موضوع توانمندسازی زنان در نواحی روستایی از زوایای متفاوتی بررسی شده است. بخش زیادی از مطالعات انجام‌شده نقش توانمندسازی زنان روستایی در زمینه‌های مختلف مرتبط با کودکان، مانند شیوه‌های مراقبت از کودکان، تغذیه کودک، بهداشت کودک و مانند آن را بررسی می‌کند. دسته‌ای دیگر به اثرات توانمندسازی زنان بر مسائل بهداشتی زنان، مانند پیشگیری از باروری، بهداشت باروری، پیشگیری از ابتلا به ایدز و مانند آن را بررسی می‌کنند و دسته‌ای دیگر از مطالعات اثرات عضویت در NGOها و تعاونی‌ها در توانمندسازی زنان را بررسی می‌کنند. همچنین تحقیقات متعددی درباره توانمندسازی زنان روستایی در داخل کشور انجام شده است که عوامل مؤثر بر توانمندی زنان روستایی در ابعاد مختلف روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و مسائلی مانند نقش صندوق‌ها و اعتبارات خرد، تشکل‌های غیردولتی مختلف و انواع آموزش‌ها برای توانمندسازی زنان روستایی و مانند آن را مطالعه کرده‌اند. با مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی پیرامون موضوع تحقیق، مشخصاً در ارتباط با توانمندسازی زنان در نواحی روستایی مهاجرپرست با استفاده از ماتریس SWOT، مطالعه‌ای مشاهده نشده است.

مهاجرت یکی از سه عامل اصلی تغییر و تحول جمعیت است که به دلیل ماهیت خود می‌تواند علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد کند و تعادل و فقدان تعادل‌هایی را در جمعیت تحت تأثیر خود به وجود آورد (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). دیدگاه‌های متعددی درباره مهاجرت و پیامدهای آن ارائه شده است که به تبیین و تحلیل دلایل مهاجرت و آثار و پیامدهای آن اقدام می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اصلی ناموفق بودن پروژه‌های روستایی و برنامه‌های کاهش نرخ مهاجرت از نواحی روستایی، غفلت از نقش جنسیتی موجود در این فضاها و جغرافیایی است. چرا که از ویژگی‌های بارز نگاه سنتی توسعه، فراموشی جنسیت است. از این رو در تحقیق حاضر به نظریاتی به عنوان پشتوانه نظری تحقیق تکیه می‌شود که نخست آثار و پیامدهای مهاجرت را تبیین کرده باشند و دوم این آثار و پیامدها را در ارتباط با زنان و تفاوت‌های جنسیتی مطرح کرده باشند. در این زمینه می‌توان به «دو دیدگاه مشهور در جامعه‌شناسی یعنی فونکسیونالیسم^۱ (کارکردگرایی) و تضاد (وابستگی)، اشاره کرد و درباره نظریات تبیین جنسیتی

1. Functionalism



مهاجرت می‌توان به نظریات مربوط به رویکرد جنسیتی مهاجرت اشاره کرد. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقد هستند؛ هر چند مهاجرت مردان از روستا به شهر در مطالعات بسیار مورد توجه بوده، اما ابعاد جنسیتی مهاجرت به ویژه تأثیر آن بر مبداء (خصوصاً زنان خانوارهای مهاجر و زنان مانده در روستا)، تا حدود زیادی نادیده انگاشته شده است. طرفداران این رویکرد معتقد هستند که مهاجرت مردان به شهر و ماندن زنان در روستا دارای آثار متعددی بر مبداء مهاجرت به ویژه از بعد جنسیتی است (عفتی، ۱۳۸۲: ۲۵۶)، که از جمله این آثار می‌توان به برهم خوردن ترکیب سنی و جنسی روستا، افزایش اشتغال زنان، زنانه شدن فضای روستا، افزایش نرخ تجرد دختران و غیره اشاره کرد.

نظریات مربوط به نقش زنان در توسعه، متأثر از نظریات فمینیستی و به‌طور عمده برخاسته از یافته‌های بوزروپ^۱ است. بوزروپ نشان داده است که برنامه‌های توسعه به‌کارگرفته شده در کشورهای جهان سوم، ناموفق بوده یا حتی در جهت عکس توسعه عمل کرده است (ازکیا، ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰). یکی از حوزه‌های مورد توجه فمینیست‌ها، آثار توسعه اقتصادی، اجتماعی بر زندگی زنان بوده است. به نظر تیانو سه دیدگاه در این زمینه با هم رقابت می‌کنند. الف) در نظریات ادغام، توسعه با درگیرکردن هرچه بیشتر زنان در اقتصاد و زندگی عمومی به رهایی زنان و برابری جنسیتی می‌انجامد؛ ب) در نظریه حاشیه‌ای شدن، توسعه سرمایه‌داری، زنان را بیش از پیش از ایفاء نقش‌های تولیدی باز می‌دارد و به قلمرو خصوصی و خانه محدود می‌کند. در این نوع توسعه، زنان کنترل خود را بر امکانات مادی از دست می‌دهند و از نظر مالی به مردان وابسته می‌شوند. ج) در نظریه بهره‌کشی نیز گفته می‌شود که مدرنیته شدن به پیدایش نوعی کار ارزان زنانه منجر می‌شود. زنان در بخش تولید صنعتی نقش مهم‌تری پیدا می‌کنند. اما از آنجا که نیروی کار درجه دوم محسوب می‌شوند، در معرض بهره‌کشی قرار می‌گیرند. برخی فمینیست‌های دیگر نیز معتقد هستند، توسعه موقعیت زنان را وخیم‌تر کرده است، زیرا ورود شکل‌های تازه صنعت و برنامه‌های کمک‌رسانی، باور غربی درباره فمینیسم را تحمیل می‌کند، مردم برای کار ناچار به مهاجرت می‌شوند و ممکن است خانه را به‌طور کلی ترک کنند و مسئولیت عمده حفظ خانواده و تأمین نیازهای اقتصادی آن، به علاوه زایش و پرورش فرزندان، به دوش زنان می‌افتد (ازکیا، ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰ به نقل از بوت و والاس،

۱۳۸۰: ۷۵-۷۲). بووینیک^۱ می‌گوید که موضوع زن و توسعه در اصل همان نظریه برابری است که منعکس‌کننده عقاید فمینیست‌ها است. او معتقد است، راهبردهای توسعه به کار گرفته شده تاکنون آثار منفی بر امور زنان داشته است. زنان را باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار وارد فرایند توسعه کرد (ازکیا، ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

در هر حال آنچه که در کشورهای درحال توسعه تحت تأثیر بد توسعه‌یافتگی^۲ به وقوع پیوسته، مهاجرت‌های گسترده روستایی از نواحی روستایی به شهر است. این نوع مهاجرت به دلیل جوان و نخبه‌گزین بودن با آثار و پیامدهای گسترده خود، فرایند توسعه درون‌زا و روند بهبود شرایط زندگی در روستاها را مختل می‌کند. «با مهاجرت جوانان و اقامت در شهر، وظایف مختلف مربوط به منزل و همچنین فعالیت‌های خارج از منزل او بر دوش جنس مؤنث خانوار می‌افتد. به مرور زمان این مسأله موجب تغییر در نقش‌های جنسیتی خانوار می‌شود» (عفتی، ۱۳۸۲: ۲۴۵). علاوه بر این، طبق نظریه آسیب‌پذیری و فشار^۳، زنان در مقایسه با مردان، فشار روانی بیشتری را تجربه می‌کنند (پارسا فر و یزدخواستی، ۱۳۹۳: ۷۰). در چنین شرایطی توجه به زنان به عنوان ساکنان پایدار و اصلی مناطق روستایی اهمیت بیشتری می‌یابد. نظریه‌های توانمندسازی نیز بر مبنای تألیف فمینیست‌ها و با تکیه بر تجارب کشورهای جهان سوم شکل گرفته‌اند. این نظریه‌ها خواستار قدرت‌دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکاء به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۶۱). در ساده‌ترین دیدگاه توانمندسازی به مثابه فرایندی تصور شده که در آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی خویش آگاهی یافته و برای تغییر این شرایط به شرایط مطلوب، برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان‌یافته انجام می‌دهند (وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۴: ۱). در واقع توانمندسازی زنان ایده‌ای متداول محسوب می‌شود که به‌عنوان بخشی از زبان توسعه می‌تواند با بهبود عملکرد زنان بقای سکونتگاه‌های روستایی را تثبیت کند (زمانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

سازمان ملل متحد در بحث توانمندسازی زنان به عواملی چون حق تصمیم‌گیری، دسترسی به منابع و فرصت‌های برابر و توانایی برای تأثیر گذاشتن بر تغییرات اجتماعی، اقتصادی در

-
1. buvinic
 2. maldevelopment
 3. Vulnerability and Streets



سطح ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند و عقیده دارد برای توانمندسازی زنان پنج مرحله را باید طی کرد از جمله:

- ایجاد رفاه نسبی: در این مرحله، رفاه مادی زنان مانند تغذیه، درآمد و رفع تبعیض میان زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد.
- دسترسی به منابع: در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید مانند سرمایه یا حتی آموزش‌های مهارت‌زا دسترسی داشته باشند که استخدام و تولید را ممکن می‌کند.
- آگاهی: در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ‌ها نشأت گرفته است و به همین دلیل تغییرپذیر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن به برابری است.
- مشارکت: در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود و جامعه شرکت کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد.
- کنترل: در این مرحله، کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است (نجفی، ۱۳۹۴: ۵۱؛ به نقل از لانگه، ۱۳۷۲: ۲۴).

با توجه به اینکه مهاجرت «نیروی کار مرد از روستا به شهر به ایجاد جامعه‌ای با نرخ جنسیتی زنانه و افزایش تعداد خانوارهایی می‌انجامد که توسط زنان اداره می‌شود (خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۸)، برای ساماندهی به وضعیت این زنان، کمک اصلی باید در چارچوب توانمندسازی آن‌ها شود (ولیتی، ۱۳۹۰: ۷۶). در واقع طی فرایند توانمندسازی، زنان قادر می‌شوند، اتکاء به نفس خود را افزایش دهند، حق مستقل برای انتخاب کسب کنند، خود را ساماندهی و منابع را کنترل کنند. این مجموعه به آن‌ها برای کاهش فقر، حذف فرودستی و تحول‌های نهایی کمک خواهد کرد. بدیهی است توانمندسازی زنان نیازمند اتخاذ راهبردهایی مناسب با در نظر گرفتن محیط درونی و بیرونی سکونتگاه‌های روستایی مهاجر فرست است و دستیابی بدان نیازمند انجام دادن برنامه‌ریزی راهبردی و اولویت‌بندی راهبردها است.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نوع کمی - کیفی و کاربردی (از نظر نتیجه) و در عین حال اکتشافی (از نظر هدف و چگونگی جمع‌آوری داده‌ها و تولید اطلاعات) و توصیفی (از نظر تبیین ویژگی‌های جامعه) و تحلیلی از نظر (چگونگی روابط متغیرها) است. از این رو جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به شیوه اسنادی و میدانی انجام شد. در ابتدا به کمک مطالعات اسنادی گسترده (بررسی مقالات، طرح‌های پژوهشی، کتب، و سایت‌های مختلف در ارتباط با توانمندسازی زنان)، تعداد ۱۲ قوت داخلی در برابر ۱۶ ضعف داخلی، و تعداد ۵ فرصت خارجی در برابر ۸ تهدید خارجی پیش‌روی توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های روستایی دارای نسبت جنسی پایین (مهاجر فرست) شناسایی شد. موارد تعیین شده از طریق طراحی پرسشنامه اولیه به کمک تعدادی از خبرگان (خبرگان محلی عمدتاً زن در نواحی روستایی) شهرستان سؤال شد. سپس تعدیل‌های لازم بر اساس استخراج مشترکات به عمل آمد. عوامل نهایی شده به عنوان مهم‌ترین عوامل محدودکننده یا مساعد در توانمندی زنان در سکونتگاه‌های روستایی مطالعه، با استفاده از چهارچوب تحلیلی تدوین استراتژی در قالب پرسشنامه تدوین و در اختیار ۷۷ نفر از زنان خبره محلی (زنان دهیار، زنان دارای تحصیلات دانشگاهی، زنان معلم و غیره) قرار گرفت که به محیط داخلی و خارجی روستا در ارتباط با موضوع آشنا بودند. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد. ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۲ به دست آمد که بیان‌کننده پایایی مطلوب ابزار تحقیق بوده است. با توجه به نبود آمار مهاجرت روستا به شهر در کشور، در پژوهش حاضر برای انتخاب روستاهای نمونه از نسبت جنسی استفاده شد.

منطقه مورد مطالعه شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی است، این شهرستان بر اساس تقسیمات سیاسی سال ۱۳۹۰، دارای ۱۱ دهستان با ۵۷۸ آبادی بوده است، با حذف آبادی‌های خالی از سکنه و کم‌تر از سه خانوار، جامعه آماری تحقیق شامل ۳۶۴ آبادی شد. از این تعداد ۳۴/۳٪ معادل ۱۲۵ روستا دارای نسبت جنسی بالا (بیش از ۱۰۵ مرد به ازای ۱۰۰ زن)، و ۴۰/۴٪ معادل ۱۴۷ روستا، دارای نسبت جنسی متعادل یا ایستا (بین ۹۵ تا ۱۰۵ مرد به ازای ۱۰۰ زن)، و ۲۵/۳٪ معادل ۹۲ روستا دارای نسبت جنسی پایین (کم‌تر از ۹۵ مرد به ازای ۱۰۰ زن) بوده‌اند.



با لحاظ کردن ارقام جدول، جامعه آماری تحقیق، شامل روستاهای دارای نسبت جنسی پایین (کم‌تر از ۹۵ مرد به ازای ۱۰۰ زن)، است که معادل ۹۲ روستای پراکنده در سطح شهرستان مشهد است. در این بررسی حدود ۲۵٪ از روستاهای مهاجرفرست به عنوان روستاهای مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با خطای ۰/۱۸٪ معادل ۲۲ روستا تعیین شده است.

$$n = \frac{(1.96)^2 \times .5 \times .5 \times 92}{(0.18)^2 \times 92 - (0.18)^2 + (1.96)^2 \times .5 \times .5} = 22$$

شایان ذکر است که انتخاب روستاهای نمونه به صورت تصادفی بوده است. روستاهای نمونه (تعداد ۲۲ روستا) که در جدول ۲ قابل مشاهده است، در سال ۱۳۹۰، دارای ۶۷۷۵ نفر جمعیت (۳۷۲۹ نفر زن و ۳۱۶۶ نفر مرد) بوده‌اند. میانگین نسبت جنسی این روستاها در سال ۱۳۸۵، معادل ۹۰ و در سال ۱۳۹۰، معادل ۸۴/۳ و در سال ۱۳۹۴، معادل ۹۱/۳ بوده است. با توجه به اینکه واحد تحلیل زنان روستایی هستند، به روش گلوله برفی با کمک ۷۷ نفر از زنان خبره محلی در روستاهای مورد مطالعه پرسشنامه تحقیق تکمیل شد.

جدول ۲: روستاهای نمونه تحقیق و ویژگی‌های جمعیتی هر یک در سال‌های مختلف

ردیف	نام روستا	تعداد زنان ۹۰	تعداد مردان ۹۰	تعداد زنان ۸۵	تعداد مردان ۸۵	تعداد زنان ۸۰	تعداد مردان ۸۰	تعداد زنان ۷۵	تعداد مردان ۷۵	تعداد نمونه
۱	کنویست	۳۳۱	۳۷۰	۹۲	۷۰۱	۸۹	۷۶۶	۹۲	۵	۵
۲	کنویست	۳۱۶	۳۹۹	۹۸	۷۱۵	۷۹	۱۴۴۶	۱۰۲	۵	۵
۳	کنویست	۱۳۳	۱۵۲	۹۲	۲۸۵	۸۸	۳۴۶	۹۷	۳	۳
۴	میان ولایت	۳۰۲	۳۳۷	۹۸	۶۳۹	۹۰	۴۶۴	۴۹	۶	۶
۵	کارده	۲۱۴	۲۴۱	۹۶	۴۵۵	۸۹	۵۴۰	۱۰۱	۴	۴
۶	کارده	۱۷۸	۲۲۴	۸۶	۴۰۲	۷۹	۳۸۱	۹۲	۳	۳
۷	کارده	۱۲۳	۱۵۱	۸۳	۲۷۴	۸۱	۲۸۳	۹۰	۳	۳
۸	کارده	۲۱۶	۲۵۷	۹۳	۴۷۳	۸۴	۴۶۶	۹۸	۴	۴
۹	تبادکان	۳۵	۴۰	۱۱۰	۷۵	۸۸	۸۷	۹۸	۳	۳
۱۰	سرجام	۲۰۷	۲۴۶	۹۵	۴۵۳	۸۴	۵۰۵	۹۶	۴	۴
۱۱	سرجام	۵۳	۶۳	۸۰	۱۱۶	۸۴	۱۸۵	۷۶	۳	۳
۱۲	سرجام	۱۸۶	۲۱۶	۹۱	۴۰۲	۸۶	۴۰۰	۹۹	۳	۳
۱۳	سرجام	۶۰	۷۳	۷۶	۱۳۳	۸۲	۱۲۷	۹۲	۳	۳
۱۴	پیوه ژن	۲۰۰	۲۳۸	۹۰	۴۳۸	۸۴	۴۱۳	۱۰۰	۴	۴
۱۵	پیوه ژن	۱۲۹	۱۵۰	۱۰۸	۲۷۹	۸۶	۳۳۱	۱۰۱	۳	۳
۱۶	پیوه ژن	۷۳	۵۳	۷۳	۹۵	۷۹	۱۰۵	۸۸	۳	۳
۱۷	آبروان	۶۹	۹۰	۶۹	۱۶۲	۸۰	۱۵۶	۷۹	۳	۳
۱۸	آبروان	۸۹	۷۴	۸۹	۱۳۸	۸۶	۱۲۸	۱۰۶	۳	۳
۱۹	آبروان	۹۳	۶۸	۹۳	۱۲۱	۷۸	۱۱۸	۹۰	۳	۳
۲۰	میامی	۱۰۹	۶۹	۱۰۹	۱۲۷	۸۴	۱۵۳	۹۰	۳	۳
۲۱	پایین ولایت	۷۹	۱۰۹	۷۹	۲۰۶	۸۹	۱۹۱	۸۹	۳	۳
۲۲	پایین ولایت	۸۱	۹۷	۸۱	۱۰۹	۸۶	۸۷	۸۵	۳	۳
	جمع	۳۱۶۶	۳۷۲۹	۹۰	۶۷۷۵	۸۴,۳	۷۶۷۸	۹۱,۳	۷۷	۷۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، مستخرج از نتایج عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.



یافته‌های پژوهش

با توجه به جدول ۳، کلیه پاسخگویان مطالعه حاضر زنان، از نظر شغلی تمامی پاسخگویان، در بخش خدمات مشغول بودند. اغلب پاسخگویان در رده سنی ۳۱-۴۰ سال که ۴۳ نفر (معادل ۵۵,۹٪) را شامل می‌شد. از نظر سطح تحصیلات بیشتر پاسخگویان (معادل ۳۱/۲٪) افرادی با تحصیلات دیپلم بودند و ۱۹/۵٪ پاسخگویان را کسانی تشکیل می‌دادند که تحصیلاتی بالاتر از دیپلم داشتند.

جدول ۳: ویژگی‌های فردی پاسخگویان در روستاهای مورد بررسی

تحصیلات	تعداد	درصد	جنسیت و شغل	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
ابتدایی	۱۸	۲۳/۴	زن	۷۷	۱۰۰	۲۰-۳۰ سال	۱۴	۱۸/۲
راهنمایی	۲۰	۲۶/۰	مرد	۰	۰	۴۰-۳۱ سال	۴۳	۵۵/۹
دیپلم	۲۴	۳۱/۲	کشاورز	۰	۰	۵۰-۴۱ سال	۱۹	۲۴/۷
فوق دیپلم	۶	۷/۸	خدمات	۷۷	۱۰۰	۶۰-۵۱ سال	۱	۱/۳
لیسانس	۸	۱۰/۴	صنعت	۰	۰	جمع	۷۷	۱۰۰
فوق لیسانس و بالاتر	۱	۱/۳	جمع	۷۷	۱۰۰	-	-	-
جمع	۷۷	۱۰۰						

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

ماتریس^۱ SWOT: ماتریس تحلیلی SWOT، یک ابزار مهم پشتیبان تصمیم‌گیری است و به لحاظ زمینه ذهنی قدمتی به اندازه تمدن بشری دارد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۸). «در تجزیه و تحلیل سوات عوامل داخلی و خارجی به چهار دسته؛ قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدید گروه‌بندی می‌شوند. هدف از استفاده تکنیک SWOT، توسعه و اتخاذ استراتژی مناسب بین عوامل داخلی و خارجی، در راستای اهداف تصمیم‌گیرندگان است» (کجانوس^۲، ۲۰۱۲: ۱). در این مطالعه تحلیل سوات در ۴ مرحله به ترتیب دنبال و اجرا می‌شود. مرحله اول ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و داخلی (IFE)، مرحله دوم تطبیق و تعیین استراتژی‌ها، مرحله سوم

1. Strengths, Weakness, Opportunities, Threats (SWOT).

2. Kajanus

تشکیل ماتریس داخلی و خارجی (IE) و اولویت‌های اجرایی، مرحله چهارم تهیه ماتریس راهبردهای کمی استراتژیک (QSPM)، (مرحله تصمیم‌گیری) است.

مرحله اول: ارزیابی عوامل خارجی (EFE) و داخلی (IFE): عوامل خارجی و داخلی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجرفرست شهرستان مشهد با توجه به جدول ۴ به شرح زیر، با استفاده از ماتریس ارزیابی محیط خارجی و داخلی ارزیابی شد:

گام اول- تعیین عوامل خارجی و داخلی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجرفرست: با انجام دادن مطالعات اکتشافی و مصاحبه با خبرگان محلی (دهیاران، بهورزان، رابطان بهداشت، نخبگان روستایی و غیره) در روستاهای دارای نسبت جنسی پایین، تعداد ۱۲ قوت داخلی در برابر ۱۶ ضعف داخلی، و تعداد ۵ فرصت خارجی در برابر ۸ تهدید خارجی، شناسایی شده است. بدین ترتیب در مجموع تعداد ۱۷ نقطه قوت و فرصت به عنوان مزیت و ۲۴ نقطه ضعف و تهدید به عنوان محدودیت و تنگنای پیش روی روستاهای دارای نسبت جنسی پایین (مهاجرفرست)، بررسی شده است.

گام دوم- تعیین میزان اهمیت عوامل خارجی و داخلی: در این گام به عوامل فهرست شده در ماتریس عوامل خارجی و داخلی، بر مبنای اهمیت هر کدام بر اساس روش تخصیص نقطه ای، وزنی از یک تا صفر داده شد. ضریب هر یک از عوامل داخلی و خارجی بر اساس پرسشنامه خبرگان محلی، استخراج شده است.

گام سوم- تعیین رتبه عوامل خارجی و داخلی: با تعیین رتبه بر اساس روش وزن نقطه‌ای، مطابق جدول زیر به قوت عالی و فرصت استثنایی رتبه ۴، به فرصت و قوت خوب رتبه ۳، به موانع و ضعف معمولی رتبه ۲ و به موانع جدی و ضعف بحرانی رتبه ۱ اختصاص داده شد. حاصل ضرب وزن استاندارد در رتبه، امتیاز نهایی است.



جدول ۴: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) در زمینه توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست

امتیاز نهایی	رتبه	وزن استاندارد	وزن نقطه‌ای	عوامل داخلی سیستم	نقاط قوت (Strength)	نقاط ضعف (Weakness)
۰/۱۴۲	۴	۰/۰۳۵	۲/۶	S1. اشتغال زنان در فعالیتهای درآمدزا و بهبود درآمد زنان		
۰/۱۱۳	۳	۰/۰۳۸	۲/۷۷	S2. بهبود وضعیت غذایی و بهداشت خانواده		
۰/۱۷۱	۴	۰/۰۴۳	۳/۱۳	S3. افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف اقتصادی		
۰/۱۵۸	۴	۰/۰۳۹	۲/۸۹	S4. افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف اجتماعی		
۰/۰۹۵	۳	۰/۰۳۲	۲/۳۱	S5. بهبود و تغییر موقعیت اجتماعی زنان به واسطه تحصیل، اشتغال و غیره		
۰/۱۶۵	۴	۰/۰۴۱	۳/۰۳	S6. افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در مسایل مختلف		
۰/۰۷۷	۳	۰/۰۲۶	۱/۸۹	S7. کاهش تفاوت دستمزد بین زنان و مردان		
۰/۰۱۴۳	۳	۰/۰۴۸	۳/۵	S8. کاهش سنت‌های اجتماعی نادرست و محدود کننده نسبت به زنان		
۰/۱۵۵	۴	۰/۰۳۹	۱/۸۴	S9. افزایش مشارکت زنان در امور مختلف روستا		
۰/۱۴۰	۴	۰/۰۳۵	۲/۵۶	S10. افزایش استقلال و آزادی‌های اقتصادی زنان		
۰/۰۷۵	۳	۰/۰۲۵	۱/۸۴	S11. افزایش دسترسی زنان به منابع تولید (آب، زمین، دام و غیره)		
۰/۱۸۱	۴	۰/۰۴۵	۳/۳۱	S12. افزایش روحیه خوداتکائی و اعتماد به نفس		
۰/۰۷۱	۲	۰/۰۳۶	۲/۶۱	W1. زنانه شدن محیط روستا		
۰/۰۷۷	۲	۰/۰۳۸	۲/۸۲	W2. افزایش حجم کار زنان روستایی در زمینه کشاورزی، دامداری و غیره		
۰/۰۲۳	۱	۰/۰۲۳	۱/۶۸	W3. افزایش فقر و محرومیت خانواده		
۰/۰۹۱	۲	۰/۰۴۵	۳/۳۲	W4. افزایش اقتصاد معیشتی در روستا		
۰/۰۴۸	۲	۰/۰۲۴	۱/۷۶	W5. افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار		
۰/۰۷۸	۲	۰/۰۳۹	۲/۸۷	W6. افزایش افراد غیرمولد (کودکان و سالخوردهگان) در خانواده		
۰/۰۲۱	۱	۰/۰۲۱	۱/۵۳	W7. افزایش آسیب‌های اجتماعی (ناامنی، بزهکاری و غیره) در روستا		
۰/۰۶۱	۲	۰/۰۳۱	۲/۲۴	W8. کم شدن فرصت ازدواج برای دختران و بالا رفتن نرخ مجرد دختران		
۰/۰۷۴	۲	۰/۰۳۷	۲/۷۱	W9. کاهش باروری در زنان و (تقلیل جمعیت روستا)		
۰/۰۲۱	۱	۰/۰۲۱	۱/۵۳	W10. کم‌رنگ شدن نقش خانه‌داری و فرزندپروری زنان		
۰/۰۷۸	۲	۰/۰۳۹	۲/۸۷	W11. برهم خوردن ترکیب سنی روستا (افزایش سالخوردهگان)		
۰/۰۶۹	۲	۰/۰۳۵	۲/۵۳	W12. کمبود نیروی کارگر مرد در روستا و استفاده از نیروی کار زنان		
۰/۰۸۰	۲	۰/۰۴۰	۲/۹۴	W13. بلااستفاده ماندن منابع و امکانات (ادوات کشاورزی، عدم لایروبی قنوات و غیره)		
۰/۰۷۵	۲	۰/۰۳۸	۲/۷۶	W14. ورود افراد مسن و خردسال به حوزه اشتغال (کشاورزی، دامداری و غیره)		
۰/۰۸۳	۲	۰/۰۴۱	۳/۰۳	W15. راکد ماندن فعالیتهای کشاورزی و بهره‌برداري نامناسب از آب و زمین کشاورزی		
۰/۰۹۳	۲	۰/۰۴۶	۳/۳۹	W16. خروج جمعیت فعال روستا و خالی شدن روستا از نیروی کار جوان		
۲/۶۵۸	-	۱	۷۳/۲۶	مجموع ماتریس داخلی		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

طبق ماتریس عوامل داخلی، S12 یعنی «افزایش روحیه خوداتکائی و اعتماد به نفس»، با امتیاز نهایی ۰/۱۸۱، به‌عنوان مهم‌ترین نقطه قوت و S11 یعنی «افزایش دسترسی زنان به منابع تولید (آب، زمین و غیره)»، با امتیاز نهایی ۰/۰۷۵، به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین نقطه قوت در روستاهای مهاجرفرست شهرستان مشهد مطرح است. در نقاط ضعف W19 یعنی «خروج

جمعیت فعال روستا و خالی شدن روستا از نیروی کار جوان»، با امتیاز نهایی ۰/۰۹۳، به عنوان مهم‌ترین ضعف مطرح است. همچنین W۱۱ «کم رنگ شدن نقش خانه‌داری و فرزندپروری زنان»، به عنوان کم اهمیت‌ترین نقطه ضعف با امتیاز ۰/۰۲۱، در ماتریس عوامل داخلی مطرح است. از آنجا که مجموع امتیاز نهایی قوت ۱/۶۱، بیشتر از مجموع امتیاز نهایی ضعف با ۱/۰۴، بوده است، می‌توان گفت نقاط قوت نسبتاً مناسبی پیش روی توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست وجود دارد.

در زمینه عوامل خارجی مطالعات (جدول ۵)، حاکی از آن است که تعداد ۵ فرصت در برابر ۸ تهدید وجود دارد. مجموع امتیاز نهایی عوامل خارجی ۲/۶۰، به دست آمده است. همچنین امتیاز نهایی فرصت‌ها با ۱/۳۲، کمی بیش از تهدیدها با ۱/۲۸ است.

جدول ۵: ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) در زمینه توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست

امتیاز نهایی	رتبه	وزن استاندارد	وزن نقطه‌ای	عوامل خارجی سیستم	
۰/۱۸۳	۳	۰/۰۶۱	۲/۵۷	01. اعطای تسهیلات و وام با سود کم به زنان خصوصاً زنان روستایی	نقاط فرصت (Opportunities)
۰/۳۲۲	۴	۰/۰۸۱	۳/۳۸	02. خرید تضمینی محصولات کشاورزی فارغ از جنسیت	
۰/۲۹۷	۴	۰/۰۷۴	۳/۱۲	03. حمایت دولت از کارآفرینان زن روستایی در قالب وام‌های خود اشتغالی و غیره	
۰/۳۵۳	۴	۰/۰۸۸	۳/۷۰	04. افزایش توجه دولت به روستا نسبت به گذشته (اشاره آسیب پذیر مانند زنان سرپرست خانوار)	
۰/۱۶۸	۳	۰/۰۵۶	۲/۳۶	05. حمایت اداره تعاون روستایی از تعاونی‌های زنان روستایی	
۰/۱۲۸	۲	۰/۰۶۴	۲/۶۸	T1. کم رنگ بودن میزان به توجه زنان روستایی در برنامه‌های کلان توسعه	
۰/۱۷۱	۲	۰/۰۸۵	۳/۵۸	T2. ضعف حمایت‌های دولتی و سازمانی در بازاریابی تولیدات روستایی	
۰/۱۵۳	۲	۰/۰۷۷	۳/۲۲	T3. ضعف و نبود حمایت‌های مالی دولت از زنان روستایی شاغل	
۰/۱۵۵	۲	۰/۰۷۷	۳/۲۵	T4. ضعف خدمات آموزشی و مهارت‌های شغلی برای زنان روستایی	
۰/۱۷۹	۲	۰/۰۸۹	۳/۷۵	T5. بروز بحران‌های زیست محیطی (خشکسالی و غیره) و به تبع آن ضعف اقتصاد روستایی	
۰/۱۷۵	۲	۰/۰۸۸	۳/۶۸	T6. به‌علت نبود برنامه و سیاست مشخص برای تقویت اقتصاد روستایی و کاهش مهاجرت‌های روستا	
۰/۱۶۹	۲	۰/۰۸۵	۳/۵۵	T7. تداوم سیاست‌های نادرست ملی (محوریت توسعه صنعتی و توسعه شهری) و بی‌توجهی به نواحی روستایی و بخش کشاورزی	نقاط تهدید (Threats)
۰/۱۵۲	۲	۰/۰۷۶	۳/۱۸	T8. خطر تخلیه جمعیتی روستا	
۲/۶۰۳	-	۱	۴۲/۰۲	مجموع ماتریس خارجی	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.



طبق نظرات پاسخگویان و محاسبات انجام شده O4 یعنی «افزایش توجه دولت به روستا نسبت به گذشته»، با امتیاز نهایی ۰/۳۵۳، مهم‌ترین فرصت و O5 یعنی «حمایت اداره تعاون روستایی از تعاونی‌های زنان روستایی»، با امتیاز نهایی ۰/۱۸۳، کم‌اهمیت‌ترین فرصت پیش روی توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجرفرست مطرح است. در میان تهدیدات T5 یا «بروز بحران‌های زیست محیطی (خشکسالی و غیره) و به تبع آن ضعف اقتصاد روستایی»، با امتیاز نهایی ۰/۱۷۹، مهم‌ترین تهدید و T1 یا «کم‌رنگ بودن میزان به توجه زنان روستایی در برنامه‌های کلان توسعه»، به عنوان ضعیف‌ترین تهدید در زمینه توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجرفرست شهرستان مشهد با امتیاز ۰/۱۲۸، مطرح است.

مرحله دوم: تطبیق و تعیین استراتژی‌ها

در این مرحله استراتژی‌هایی تدوین می‌شود که از نقاط قوت استفاده می‌کند، نقاط ضعف را از پیش‌رو برمی‌دارد و از فرصت‌ها بهره‌برداری می‌کند و با تهدیدها مواجه می‌شود. در این مرحله راهبردها در چهار گروه از راهبردهای بازنگری - محافظه‌کارانه و تدافعی، تهاجمی، تنوع - رقابتی، بر طبق جداول ۶ و ۷ تدوین می‌شوند.

- راهبردهای تهاجمی - رقابتی SO (مبتنی بر نقاط قوت و فرصت‌ها)، که یک راه حل کنشگر است (حداکثر - حداقل).

- راهبردهای تنوع / رقابتی ST (مبتنی بر مقایسه نقاط قوت داخلی و موانع بیرونی)، این راهبرد برپایه بهره‌گرفتن از قوت‌های سیستم برای مقابله با تهدیدات تدوین می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و به حداقل رساندن تهدیدات است (حداقل - حداکثر).

- راهبردهای بازنگری / محافظه‌کارانه WO (مبتنی بر نقاط ضعف داخلی و فرصت‌های بیرونی)، که تلاش دارد با کاستن از ضعف‌ها حداکثر استفاده را از فرصت‌های موجود ببرد (حداکثر - حداقل).

- راهبردهای تدافعی WT (مبتنی بر مقایسه نقاط ضعف داخلی و موانع بیرونی) انجام می‌شود و می‌توان آن را «راهبرد بقا» نیز نامید. کاهش ضعف‌های سیستم برای کاستن و خنثی‌سازی تهدیدهاست (حداقل - حداقل) (قنبری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴، به نقل از گلکار، ۱۳۸۵).

در پژوهش حاضر هدف از به‌کارگیری تجزیه و تحلیل SWOT، تعیین اولویت استراتژی‌های پیشنهادی و انتخاب بهترین استراتژی در ارتباط یا توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجرفرست شهرستان مشهد است.

جدول ۶: راهبردهای محافظه‌کارانه و تدافعی در زمینه توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست

راهبردهای تدافعی (WT)	راهبردهای محافظه‌کارانه (WO)
WT1. بازبینی نقادانه و اصلاح سیاست‌های کلان ملی در ارتباط با نواحی روستایی (W12, W13, W15, W16, T1, T8)	WO1. اتخاذ سیاست‌های دقیق برای حل مشکل اشتغال (W3, W4, W8, W13, W16, O1, O4)
WT2. افزایش فرصت‌های شغلی در نواحی روستایی و احیاء اقتصاد روستایی (W12, W13, W16, W8)	WO2. ارائه وام‌های درازمدت و کم بهره در زمینه‌های مختلف تولیدی (کشاورزی و دامداری و غیره) (W4, W16, O4)
WT3. ارائه آموزش‌های کاربردی به روستائیان در زمینه راه اندازی فعالیت‌های مختلف اقتصادی (W13, W16, T4, T8)	WO3. جهت دهی سرمایه‌های کوچک روستایی به سمت سرمایه گذاری تولیدی (W16, W13, O3, O4)
WT4. حمایت دولت از بخش کشاورزی و تقویت نهاده‌های مورد نیاز آن (W13, W16, T6, T7)	WO4. تأسیس صندوق‌های حمایتی و خرد روستایی به‌منظور توسعه کارآفرینی روستایی و حمایت از فعالیت‌های تولیدی (W16, O1, O2, O5)
WT5. برانگیختن مشارکت روستائیان در زمینه احیاء اقتصاد نواحی روستایی (W12, W13, W15, W16, T6)	WO5. کمک به شکل‌گیری و ایجاد تشکل‌ها (NGO) در حوزه کشاورزی و غیرکشاورزی (W3, W7, W13, W15, W16, O4)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.



جدول ۷: راهبردهای تهاجمی و رقابتی در زمینه توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست

راهبردهای رقابتی (ST)	راهبردهای تهاجمی (SO)
ST1. گسترش حمایت از زراعت، دامداری و صنایع دستی از طریق بیمه، محصولات کشاورزی، حمایت اقتصادی (S3, S12, T6)	SO1. افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری (S1, S10, S3, O1, O3, O4, O5)
ST2. ایجاد زمینه‌های لازم برای توسعه صنایع روستایی در نواحی روستایی و بازاریابی برای تولیدات دستی روستایی (S1, S3, S5, S10, T2)	SO2. تعیین نیازهای آموزشی زنان روستایی و برگزاری دوره‌های آموزشی لازم (کشاورزی-ترویجی، فنی و حرفه‌ای، بازاریابی، کارآفرینی، تکنولوژیکی و غیره) (S1, S3, S4, S6, S9, S10, S12, O1)
ST3. ایجاد یا تقویت کارگاه‌های تولیدی متناسب با ظرفیت‌های محلی (کارگاه‌های کوچک فراوری و بسته‌بندی محصولات کشاورزی و غیره) (S1, S3, S5, S10, S12, T1, T8)	SO3. افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری دولتی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید (S1, S3, S10, S12, O1, O3, O5)
ST4. تقویت زیرساخت‌های تکنولوژیکی و ارتباطی برای افزایش دسترسی به بازار مانند راه روستایی، تلفن، اینترنت و غیره (S3, S7, S10, T2, T8)	SO4. تشویق روستائیان و خصوصاً زنان به ایجاد و تقویت صندوق‌های قرض‌الحسنه (S1, S3, S4, S10, S12)
ST5. تلاش برای استفاده از ظرفیت‌های دست نخورده محیطی مانند گیاهان دارویی و امثالهم (S2, S10, T5, T8)	SO5. افزایش دسترسی زنان به منابع تولید با اصلاح قوانین و فرهنگ‌سازی (S1, S3, S6, S10, S11, S12, O1, O3)
ST6. تشویق به تنوع فعالیت‌های اقتصادی بخش کشاورزی (زنبورداری، پرورش کرم ابریشم، پرورش ماهی و غیره) (S3, S5, S11, T8)	SO6. تقویت خودباوری زنان برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید (S1, S3, S6, S10, S12, O1, O3)
ST7. آگاه‌سازی روستائیان در زمینه ضرورت حفظ منابع پایه تولید (آب و خاک و مرتع و جنگل) (S9, S8, T5, T4)	SO7. حمایت از بنیه اقتصادی زنان روستایی در قالب تشکیل‌ها، اتحادیه‌ها، شبکه‌ها و تعاونی‌های تولید (S1, S3, S4, S12, O3, O5)
	SO8. شناسایی و رشد استعدادها و خلاقیت‌های زنان روستایی و بهره‌گیری منطقی از آن (S1, S6, S12, O1)
	SO9. تشویق زنان به رفع نیازهای روزمره از طریق گسترش همیاری (O5, S4, S6, S12)
	SO10. تشویق زنان و دختران به ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی در روستا (S1, S3, S10, S11, S12, O1, O3, O5)

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

شایان ذکر است در ماتریس SWOT، هدف این نیست که بهترین راهبردها مشخص شود، بلکه هدف تعیین راهبردهای قابل اجرا است. بنابراین، همه راهبردهایی که در ماتریس SWOT ارائه می‌شوند، انتخاب و اجرا نخواهند شد.

مرحله سوم - تشکیل ماتریس داخلی و خارجی (IE) و اولویت‌های اجرایی

ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی دارای دو بعد اصلی و نه خانه است. جمع امتیازهای نهایی ارزیابی عوامل داخلی بر روی محور Xها نمایش داده شده و جمع امتیاز نهایی ارزیابی عوامل خارجی بر روی محور Yها نوشته شده است. نقطه تلاقی جمع امتیازهای عوامل خارجی و داخلی بر روی محور Xها و Yها، تعیین‌کننده موقعیت این بخش در ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی است. با توجه به امتیاز نهایی در ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)، ۲/۶۵، و در ماتریس ارزیابی عوامل خارج (EFE)، ۲/۶۰، استراتژی منتخب در سلول (V) نمودار قرار گرفته و ماتریس «راهبردهای تهاجمی» را مشخص می‌کند. در واقع الگوی مناسب توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجر فرست شهرستان مشهد، به‌رغم وجود تهدیدها و ضعف‌های متعدد، دارای نقاط قوت و فرصت‌های نسبتاً زیادی است.

محور محیط داخلی (IFE)

	۱	۲	۳	۴
۴	راهبرد محافظه‌کارانه WO	راهبرد تهاجمی SO		
۳				
۲	راهبرد تدافعی WC	راهبرد رقابتی SC		
۱				

محور محیط بیرونی

شکل ۱: ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی



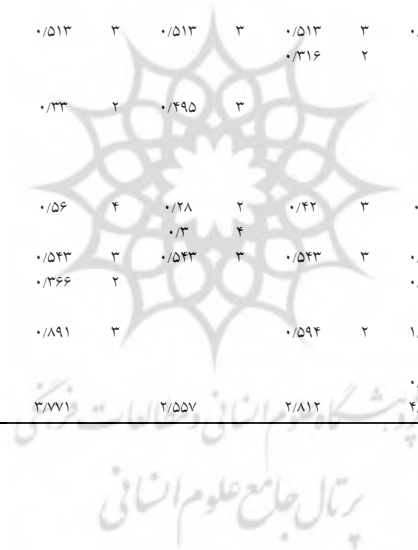
مرحله چهارم - تهیه ماتریس راهبردهای کمی استراتژیک (QSPM) (مرحله تصمیم‌گیری)

درباره استراتژی‌های مناسب و مقبول، از طریق تجزیه و تحلیل علمی و قضاوت شهودی تصمیم‌گیری می‌شود و با استفاده از ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی (QSPM) امتیاز نهایی هر راهبرد مشخص می‌شود. در اجرای ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی از تجزیه و تحلیل‌های مرحله اول و نتیجه حاصل از مقایسه عوامل داخلی و خارجی در مرحله دوم استفاده می‌شود تا به وسیله آن شیوه‌های عینی راهبردهای قابل اجرا مشخص شوند با استفاده از این ماتریس می‌توان به صورت عینی راهبردهای گوناگون را مشخص کرد که در زمره بهترین راهبردها هستند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در واقع این تکنیک مشخص می‌کند که کدامیک از مؤلفه‌های استراتژیک انتخاب شده، امکان‌پذیر هستند. این تکنیک نیز مانند اکثر تکنیک‌ها و ابزارها نیازمند قضاوت خوب، خیرگی و آگاهی است. روش کار به این صورت است که در مرحله اول فرصت‌ها و تهدیدات خارجی و قوت‌ها و ضعف‌های داخلی را در ستون سمت راست QSPM، فهرست شود. (این اطلاعات باید مستقیماً از ماتریس‌های EFE و IFE حاصل شوند). در مرحله دوم برای هر عامل بحرانی موفقیت (داخلی و خارجی)، امتیازی در نظر گرفته می‌شود. این امتیازات با توجه به ماتریس‌های IFE و EFE است و در ستون دوم در برابر عوامل بحرانی موفقیت قرار داده می‌شوند. در مرحله سوم با در نظر گرفتن مرحله دوم فرموله کردن، یعنی مرحله تلفیق و ترکیب، استراتژی‌های شدنی و قابل اجرا در نظر گرفته می‌شود و آن‌ها را در ردیف بالای ماتریس QSPM، قرار می‌دهند. در مرحله چهارم امتیازهای جذابیت AS، تعیین می‌شود و آن‌ها را به صورت مقادیر عددی تعریف می‌کنند که نشان‌دهنده جذابیت نسبی هر استراتژی هستند. امتیاز جذابیت با در نظر گرفتن هم‌زمان عوامل بحرانی و موفقیت و طرح این سؤال حاصل می‌شود که «آیا این عامل در انتخاب استراتژی مذکور اثر می‌گذارد؟»، پاسخ داده شده اگر مثبت باشد، در یک کلاس‌بندی، بین عدم جذابیت تا بسیار جذاب از امتیاز ۱ تا ۴ قرار می‌گیرد. در مرحله پنجم جمع امتیازهای جذابیت را به دست آورده، این کار با ضرب امتیاز هر عامل در امتیاز جذابیت در هر ردیف حاصل می‌شود و نشان‌دهنده جذابیت نسبی آن استراتژی و امتیاز بالاتر به معنای جذابیت بیشتر آن استراتژی است (فال سلیمان و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۵۳). جدول ۸ ماتریس ارزیابی راهبردهای تهاجمی توانمندسازی زنان روستایی است.

جدول ۸: ماتریس ارزیابی راهبردهای تهاجمی بر اساس روش کمی استراتژیک (QSPM)

عوامل کلیدی	ضریب	راهبرد ۱		راهبرد ۲		راهبرد ۳		راهبرد ۴		راهبرد ۵		راهبرد ۶		راهبرد ۷		راهبرد ۸		راهبرد ۹		راهبرد ۱۰	
		نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی	نمره	جذبیت نهایی
S1	۰/۱۴۲	۴	۰/۵۶۸	۳	۰/۴۲۶	۴	۰/۵۶۸	۳	۰/۴۲۶	۳	۰/۵۱۳	۴	۰/۵۶۸	۳	۰/۴۲۶	۳	۰/۵۶۸	۴	۰/۴۲۶	۴	۰/۵۶۸
S2	۰/۱۱۳																				
S3	۰/۱۷۱	۴	۰/۶۸۴	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۵۱۳	۳	۰/۴۷۴	۴	۰/۶۸۴
S4	۰/۱۵۸	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۳۱۶	۲	۰/۴۷۴	۴	۰/۶۸۴
S5	۰/۰۹۵																				
S6	۰/۱۶۵	۴	۰/۶۶۶	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۹۵	۳	۰/۶۸۴
S7	۰/۰۷۷																				
S8	۰/۱۴۳																				
S9	۰/۱۵۵																				
S10	۰/۱۴	۴	۰/۵۶	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۶۵	۳	۰/۴۹۵	۳	۰/۶۸۴
S11	۰/۰۷۵																				
S12	۰/۱۸۱	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۵۴۳	۳	۰/۷۲۴	۲	۰/۳۶۲
O1	۰/۱۸۳	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۵۴۹	۳	۰/۳۶۶	۲	۰/۳۶۲
O2	۰/۳۲۲																				
O3	۰/۲۹۷	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱	۳	۰/۸۹۱
O4	۰/۰۳۵۳	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۷۰۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶
O5	۰/۱۶۸	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶	۲	۰/۳۳۶
جمع جذبیت	۴/۲۴۹	۴/۰۳۲	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵	۴/۲۸۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴





بر اساس تجزیه و تحلیل‌های انجام شده، استراتژی‌های ارائه شده در ۱۰ مورد در جدول ۹ گنجانده شده است. در این ماتریس اولویت اول، «افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری»، است که بر اساس QSPM، بالاترین امتیاز یعنی ۴/۲۹ را کسب کرده است. راهبرد دوم «افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری دولتی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید» است که امتیاز ۴/۲۸ را کسب کرده است.

جدول ۹: اولویت‌بندی راهبردهای ارائه‌شده در زمینه الگوی مناسب توانمندسازی زنان روستایی در روستاهای مهاجرفرست

رتبه	امتیاز	راهبردهای توانمندسازی زنان روستایی	
۱	۴/۲۹۴	افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری	SO1
۲	۴/۲۸۵	افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری دولتی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید	SO3
۳	۴/۰۳۲	تعیین نیازهای آموزشی زنان روستایی و برگزاری دوره‌های آموزشی لازم	SO2
۴	۳/۷۷۱	تقویت خودباوری زنان برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید	SO6
۵	۳/۵۵۸	تشویق زنان و دختران به ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی در روستا	SO10
۶	۳/۴۹۳	حمایت از بنیه اقتصادی زنان روستایی در قالب تشکلهای، اتحادیه‌ها، شبکه‌ها و تعاونی‌های تولید	SO7
۷	۲/۸۱۲	تشویق روستائیان و خصوصاً زنان به ایجاد و تقویت صندوق‌های قرض الحسنه	SO4
۸	۲/۵۵۷	افزایش دسترسی زنان به منابع تولید با اصلاح قوانین و فرهنگ سازی	SO5
۹	۲/۱۷۶	شناسایی و رشد استعدادها و خلاقیت‌های زنان روستایی و بهره‌گیری منطقی از آن	SO8
۱۰	۲/۲۰۲۹	تشویق زنان به رفع نیازهای روزمره از طریق گسترش همیاری	SO9

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۴.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد، تاکنون مواهب و دستاوردهای توسعه در جامعه روستایی، بیشتر نصیب مردان شده (نقدی، بلالی، ۱۳۸۹: ۷۹) و زنان بیش از مردان از پیامدهای منفی تغییرات ناشی از توسعه (در چارچوب پارادایم نوسازی) آسیب و زیان دیده‌اند. ساختار اقتصادی ضعیف نواحی روستایی تحت‌تأثیر رویکرد نوسازی، مهاجرت‌های روستایی-شهری را به امری اجتناب‌ناپذیر مبدل ساخته است. «این نوع مهاجرت به دلیل ماهیت خود علاوه بر تغییرات درازمدت و طولانی، آثار سریع و کوتاه مدتی را نیز در تعداد و ساختار جمعیت ایجاد می‌کند و تعادل و نبود تعادل‌هایی را در جمعیت تحت‌تأثیر خود به وجود می‌آورد» (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این پدیده در درازمدت علاوه بر کاهش جمعیت روستایی موجب برهم زدن نسبت جنسی و تغییر در نقش‌های جنسیتی خانوار و روستا می‌شود. به طوری که با مهاجرت مردان از روستا و اقامت در شهر، وظایف مختلف مربوط به منزل و همچنین فعالیت‌های خارج از منزل او به جنس مؤنث خانوار واگذار شده است. این مسأله به مرور زمان موجب زنانه‌شدن سکونتگاه‌های روستایی، افزایش حجم کار زنان روستایی، ورود خردسالان و کهنسالان به کار کشاورزی و دامداری و مانند می‌شود. علاوه بر این مهاجرت دلیل پذیرش نقش‌های جدید، افزایش مسئولیت‌های روستایی در زمینه‌های مختلف، افزایش استقلال زنان، کسب قدرت و اقتدار زنان در خانواده، افزایش تحرک اجتماعی زنان و مانند شده است.

در چنین شرایطی توجه به زنان به عنوان ساکنان پایدار و اصلی این گونه سکونتگاه‌های روستایی اهمیت بیشتری می‌یابد. با تغییر ترکیب جمعیتی خصوصاً ترکیب جنسی جمعیت در روستا ضرورت برنامه‌ریزی برای زنان به طور مستقل و با در نظر گرفتن الزامات آن مطرح می‌شود. از این رو توجه به بهبود موقعیت زنان نواحی روستایی مهاجرفرست امری الزامی و برابر با توسعه است.

در حال حاضر، زنان به عنوان ساکنان اصلی سکونتگاه‌های روستایی دارای نسبت جنسی پایین، مسئولیت بهره‌برداری از امکانات و منابع موجود در روستاها را به عهده دارند، از این رو چنانچه به توانمندسازی آن‌ها توجه کافی نشود، طبعاً روند توسعه کشاورزی و روستایی با تأخیر و چالش‌های جدی در روستاهای مهاجرفرست دارای نسبت جنسی پایین، مواجه



می‌شود. با توجه به اینکه تحولات جمعیتی امری مهم در ایجاد تغییرات اقتصادی- اجتماعی، خصوصاً در نواحی روستایی محسوب می‌شود باید گفت در سال‌های آتی با جمعیت انبوهی از زنان و دختران (خانی، ۱۳۸۳: ۱۶۹)، در تعدادی از سکونتگاه‌های روستایی (مهاجرفرست) مواجه خواهیم بود، که چه بخواهیم و چه نخواهیم توانمندسازی آن‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، چرا که زنان طیف گسترده‌ای از بازیگران توسعه در سکونتگاه‌های روستایی محسوب می‌شوند. نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد هرچه زنان توانمندتر می‌شوند، بر میزان مولد بودن، مشارکت آن‌ها و همچنین نقش اجتماعی آن‌ها افزوده می‌شود.

در حال حاضر زنان روستایی کم‌تر در برنامه‌های توسعه روستایی به حساب آمده و ایفاء نقش می‌کنند. در این زمینه بالا بردن میزان آگاهی میان سیاست‌گذاران نسبت به نقش محوری زنان در اجتماع ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد به‌منظور توانمندسازی زنان در روستاهای مهاجرفرست استراتژی‌های تهاجمی (حداکثر- حداکثر) بهینه هستند. اولین راهبرد ارائه شده بر اساس ماتریس استراتژیک کمی «افزایش توجه به زنان در برنامه‌های توسعه نواحی روستایی در سطوح بالای تصمیم‌گیری» است. همچنین از آنجا که توانمندسازی زنان، مستلزم بالا بردن سطح آموزش و تحصیلات است، دومین راهبرد ارائه شده در این زمینه، «تعیین نیازهای آموزشی زنان روستایی و برگزاری دوره‌های آموزشی لازم (کشاورزی- ترویجی، فنی و حرفه‌ای، بازاریابی، کارآفرینی، تکنولوژیکی و غیره)» است که نیاز به مدیریتی با جهت‌گیری مثبت این زمینه است. همچنین، سومین راهبرد ارائه شده به‌منظور توانمندسازی زنان در سکونتگاه‌های روستایی دارای نسبت جنسی پایین، «افزایش دسترسی زنان روستایی به منابع مالی و اعتباری دولتی برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدید» است. به نظر می‌رسد در این زمینه دسترسی زنان و دختران روستایی به منابع مالی و اعتباری، آموزش‌های ترویجی، مهارتی و تکنولوژی مناسب و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امور اقتصادی و اجتماعی در سطح محلی و خانوار ضروری است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و آقاسی‌زاده، عبدالله (۱۳۸۸). «تحلیل عوامل مؤثر بر گسترش گردشگری در ناحیه ساحلی چابهار با استفاده از مدل راهبردی SWOT»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۱(۱): ۱۰۷-۱۲۸.
- ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمه مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران: دنیای مادر.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۸۷). *توسعه پایدار روستایی*، ۱. تهران: اطلاعات.
- اسعدی خلیلی، نرجس خاتون و حق پرست، فاطمه (۱۳۹۳). *توانمندسازی زنان؛ قوانین و برنامه‌های توسعه کشوری*، ۱. تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- اکبری، رضا و قادریان، مسعود و منتظری، مرجان (۱۳۹۰). «جستاری پیرامون کارآمدی تکنیک SWOT و ارائه مدل جامع پیشنهادی برای مسائل شهری. مطالعه موردی: برنامه‌ریزی راهبردی بافت روستاشهری نعیم آباد یزد»، *هویت شهر*، ۹(۲۲): ۸۷-۹۸.
- آیت، سیدسعید و اعظمیان، الهه (۱۳۹۰). «تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توانمندسازی زنان روستایی»، *مجله روستا و توسعه*، ۱۴(۳): ۱۵۱-۱۶۴.
- برقی، حمید و قنبری، یوسف (۱۳۹۳). «بررسی و نظرسنجی درباره مولفه‌های توانمندسازی زنان روستایی و تبیین عوامل مؤثر بر آن‌ها: مطالعه موردی روستاهای شهرستان اصفهان»، *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۷(۱): ۳۷-۵۳.
- بریمانی، فرامرز و نیک منش، زهرا و خداوردی لو، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی، نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس»، *فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱(۱): ۸۲-۶۹.
- پارسافر، سارا و یزدخواستی، فریبا (۱۳۹۳). *بررسی روابط علی بین نقش‌های جنسیتی، تابآوری، سرسختی، درماندگی آموخته شده و هم‌وابستگی، در همسران افراد معتاد*، *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اجتماعی، روانشناسی زنان*، ۱۲(۴): ۶۹-۹۲.
- جباری، حبیب (۱۳۸۴). *رویکردهای اجتماع محور به برنامه فقرزدایی در ایران، رفاه اجتماعی*،



(۱۸)۵: ۲۶۳-۲۹۷.

چرمچیان لنگرودی، مهدی و علی بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی، *مجله جامعه‌شناسی زنان*، ۴(۱۳): ۱۶۵-۱۹۲.

خانی، فزیله (۱۳۸۳). «پی آمد مهاجرت انفرادی مردان بر کارکرد زنان در مناطق روستایی: مطالعه موردی روستاهای بندپی شرقی، مازندران»، *مطالعات زنان*، ۲(۴): ۱۷۶-۱۴۹.

خوش‌فر، غلامرضا و دانش، یونس و جوادی نیا، علی (۱۳۹۲). مطالعه جریان‌های مهاجرتی و عوامل مؤثر بر آن در استان مازندران، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۱(۴): ۱۷۶-۱۴۷.

زمانی میاندشتی، ناصر و عطایی، پوریا و ایزدی، نسیم (۱۳۹۱). «بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی: مورد مطالعه: تعاونی زنان تفیهان شهرستان شیراز»، *زن در توسعه و سیاست*، ۱(۴): ۱۷۲-۱۵۳.

سپهوند، فاطمه و غلامرضایی، سعید و رحیمیان، مهدی و ملکشاهی، یداله (۱۳۹۴). نقش مشاغل خانگی و اهمیت آن در توانمندسازی زنان روستایی، کنفرانس ملی کشاورزی پایدار محیط زیست و توسعه روستایی: ۶-۱.

سعدی، حشمت اله و جلیلیان، سارا و یعقوبی فرانی، احمد (۱۳۹۳). تأثیر کسب و کارهای خانگی بر توانمندی اجتماعی زنان روستایی، *زن و جامعه*، ۵(۳): ۱۰۷-۸۵.

ضیایی، کیوان (۱۳۹۲). *توانمندسازی زنان در شهر تهران*، ۱. تهران: جامعه و فرهنگ.

عفتی، محمد (۱۳۸۲). زنان روستایی و مهاجرت‌های فصلی مردان: با تأکید بر پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، نامه پژوهش فرهنگی، ۷(۶): ۲۹۲-۲۴۵.

علیرضائزاد، سهیلا و بنی‌هاشم، فروغ السادات (۱۳۹۱). «جنسیت و توسعه: نگاهی به تحولات جمعیت‌شناختی مناطق روستایی کشور»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۲): ۹۱-۸۳.

فال سلیمان، محمود و صادقی، حجت‌الله (۱۳۹۲). تحلیل توانمندی‌های بخش کشاورزی استان خراسان جنوبی در راستای توسعه پایدار با استفاده از مدل SWOT، *جغرافیا و توسعه*، ۱۱(۳۰): ۱۵۶-۱۳۹.

- فرضی‌زاده، زهرا و متوسلی، محمود و طالب، مهدی (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی توانمندی اجتماعی و اقتصادی، درک بومی از آن، عوامل مؤثر بر رشد آن و موانع در جامعه زنان روستایی، توسعه روستایی، ۵(۱): ۴۰-۱.
- قاسمی، مریم (۱۳۸۹). پایداری‌سازی جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان مشهد با تأکید بر رویکرد متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی. رساله دکتری، جغرافیا، ادبیات و علوم انسانی، فردوسی، مشهد.
- قنبری، سیروس و رضایی، سمیه و منصوری دانشور، محمد رضا (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر گردشگری عشایری با استفاده از تکنیک SWOT، مطالعه موردی: ایل بختیاری، فضای گردشگری، ۳(۱۰): ۱۱۹-۱۰۵.
- کبیر، نایلا و وی، ویویان، و شهدی، فریدا (۱۳۸۹). توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، ۱. تهران: آگه.
- کلانتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین و سروش مهر، هما (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی: مطالعه موردی شهرستان همدان، مجله توسعه روستایی، ۱(۲): ۱۲۴-۱۰۷.
- کنفرانس بین‌المللی ریو (۱۹۹۲). «دستور کار ۲۱ منشوری برای آینده» کنفرانس ریو، برنامه کار» به قلم ژرار پیه.
- کولایی، الهه و طاهری، ابراهیم (۱۳۸۹). تأثیر توانمندسازی زنان بر توسعه روستایی در ایران، زن و حقوق و توسعه (تحقیقات زنان)، ۵(۱): ۶۵-۵۰.
- گلکار، کورش (۱۳۸۴). مناسبت‌سازی تکنیک تحلیلی سوات (SOWT) برای کاربرد در طراحی شهری، صفحه ۱۵(۴۱): ۶۵-۴۴.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲). معیارهایی برای توانمندسازی زنان (نقش زنان در توسعه)، تهران: روشنگران.
- لوئیز ال، هی (۱۳۸۴). توانمندسازی زنان: توشه‌ای برای هر زن برای رسیدن به زندگی موفقیت‌آمیز، ترجمه آرمانوش باباخانیاس و الهام دژکام. تهران: علم.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). شناسنامه آبادی‌های کشور، شهرستان مشهد.
- نجفی‌کانی، علی اکبر و وصال، زینب (۱۳۹۴). نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان

- روستایی، مطالعه موردی: دهستان استرآباد جنوبی شهرستان گرگان، *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۰(۳۰): ۴۷-۵۶.
- نقدی، اسداله و بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹). مسأله اجتماعی خاموش و نامرئی: کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی: با تأکید بر یافته‌هایی از نقاط روستایی همدان، توسعه روستایی، ۲(۲): ۷۷-۹۴.
- وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۴). طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار قابل مشاهده: svr.irantvto.ir
- ولیثی، محسن (۱۳۹۰). «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر مشاغل خانگی و خوشه‌های تولید»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی توانمندسازی، ۷۳-۹۹.
- Baden, S. (2013). Women's collective action in African agricultural markets: the limits of current development practice for rural women's empowerment. *Gender & Development*, 21(2), 295-311.
- Campbell, H., & Mayerfeld Bell, M. (2000). The Question of Rural Masculinities. *Rural Sociology*, 65(4), 532-546.
- Cunningham, K., Ploubidis, G. B., Menon, P., Ruel, M., Kadiyala, S., Uauy, R., & Ferguson, E. (2015). Women's empowerment in agriculture and child nutritional status in rural Nepal. *Public health nutrition*, 18(17), 3134-3145.
- Garikipati, S. (2012). Microcredit and Women's Empowerment: Through the Lens of Time-Use Data from Rural India. *Development and Change*, 43(3), 719-750.
- Kajanus, M., Leskinen, P., Kurttila, M., & Kangas, J. (2012). Making use of MCDS methods in SWOT analysis—Lessons learnt in strategic natural resources management. *Forest Policy and Economics*, 20, 1-9.
- Mahmud, S., Shah, N. M., & Becker, S. (2012). Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh. *World Development*, 40(3), 610-619.
- Ogunlela, Y. I., & Mukhtar, A. A. (2009). Gender issues in agriculture and rural development in Nigeria: The role of women. *Humanity & social sciences Journal*, 4(1), 19-30.
- Sharaunga, S., Mudhara, M., & Bogale, A. (2016). Effects of 'women empowerment' on household food security in rural KwaZuluNatal province. *Development Policy Review*, 34(2), 223-252.
- Verma, S. (2016). Gender, Agriculture and Sustainable Development in India: Women's Marginalization or Empowerment. *In Third ISA Forum of Sociology* (July 10-14, 2016). Isaconf.

نویسندگان

at.vatankhahnoghani@stu-mail.um.ac.ir

آتنا وطن خواه نوغانی

کارشناسی ارشد - رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی - دانشگاه فردوسی مشهد - متولد

۱۳۶۲

magh30@um.ac.ir

دکتر مریم قاسمی

دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، متولد ۱۳۵۷ - عضو

هیات علمی

تحصیل کلیه مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد

تخصص: جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

نویسنده کتاب گردشگری روستایی در بخش احمدآباد مشهد - دارای بیش از ۵۰ مقاله

علمی - پژوهشی و کنفرانسی - راهنمایی بیش از ۲۰ پایان نامه و پروژه کارشناسی در رشته

جغرافیا و برنامه ریزی روستایی در دانشگاه فردوسی مشهد

همکار در طرح های مختلف در سطح استان خراسان رضوی

jafar.javan@yahoo.com

دکتر جعفر جوان

استاد بازنشسته گروه جغرافیا - دانشگاه فردوسی مشهد، متولد ۱۳۲۳ - سردبیر فصلنامه

علمی پژوهشی مطالعات مناطق خشک و عضو هیات تحریریه چندین مجله علمی پژوهشی

داخل کشور

تخصص: جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

صاحب چندین کتاب از جمله جغرافیای جمعیت ایران، جغرافیای جهانی شدن، درآمدی

بر فلسفه علم و پژوهش در علوم انسانی و ...

مشاور طرح بین المللی LDF و ناظر طرح های آمایش استان و مجری چندین طرح در

سطح استان خراسان رضوی

و صاحب بیش از ۱۰۰ مقاله در مجلات علمی پژوهشی و راهنمای بیش از ۱۰۰ رساله

ارشد و دکتری در دانشگاه فردوسی مشهد

Identification and Prioritization of Women Empowerment Strategies in rural migration (Immigrant Sending Villages) Based on SWOT Matrix and QSPM Technique: Case Study of Mashhad

Athena Vatankhah Noghani¹

Maryam Ghasemi²

Jafar Javan³

Abstract

A natural consequence of applying modernization approach in developing countries is the formation and development of large-scale migration from rural to urban areas. This has changed the sex structure of population in a number of rural settlements in the country. Obviously current situation will leave women as the main beneficiaries of the development programs in rural areas in the future. Present paper thus aims to identify and prioritize the strategies used for women empowerment among specific group of villages, that is, the migrant rural settlements (immigrant sending villages) due to their specific conditions and priorities. This study uses descriptive-analytic method, which is an applied - developmental research type. The data were collected using documentary and field approaches through questionnaire. The statistical population of the study included villages with low sex ratio (less than 95 males per 100 females). In present study, optimal strategies used for women empowerment in the migrant rural settlements (immigrant sending villages) were first identified, and then the strategies were prioritized through

1. M.S Student of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

2. Assistant Prof. of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

3. Prof. of Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad

DOI: 10.22051/jwsps.2016.2558

Submit Date: 2016/4/5

Accept Date: 2016/12/13

Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM). Results show that the offensive strategies (maximum-maximum) are optimized to empower women in the migrant villages. In addition, the most important strategy for empowering women in question, is “increasing attention to women in development programs of rural areas at the highest levels of decision-making” with a score of 4.29.

KeyWords

Empowerment; Female-headed Households; Migration; Rural Settlements; SWOT

